



دهه هفتادی‌ها را محکوم نکنیم: افزایش طلاق توافقی در دهه هفتادی‌ها

در دهه هفتادی‌ها طلاق توافقی بیشتر دیده می‌شود که برای این رنج سنی جای تعجب دارد. واقعیت این است که به مقدار زیاد مسئولیت پذیری در این گروه سنی کم شده است.

*تربیا عزیزپناه: در دهه هفتادی‌ها طلاق توافقی بیشتر دیده می‌شود که برای این رنج سنی جای تعجب دارد. واقعیت این است که به مقدار زیاد مسئولیت پذیری در این گروه سنی کم شده است. گرچه من اشکال عدم مسئولیت‌پذیری را از جانب جوانان نمی‌بینم، بلکه ایراد از آموزه‌های ما در نهاد رسمی و خانواده هاست و متأسفانه باعث شده تا برخی زوج‌های دهه هفتادی با اولین تنش و اختلاف نظر کوچک، هر دو راه طلاق را انتخاب کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان، در گذشته فاصله سنی بین والدین و فرزندان را به عنوان تفاوت نسل می‌سنجیدند، اما اکنون تفاوت بین نسلی به کمتر از سه سال هم رسیده و مسائل قراردادی به عنوان یک معیار، اعتبار خود را از دست داده است. امروزه گردش سریع اطلاعات و دسترسی سریع به آن، واکنش انسان‌ها به جهان پیرامون از جمله انواع انتخاب‌ها در زندگی، پیدا کردن راه حل‌های مسائلی که برایشان مهم است و... تفاوت نسل‌ها را تعیین می‌کند. صرفاً فاصله نسل‌ها از تفاوت سنی گذشته و به سایر امورات تسری یافته است. بنابراین اگر از دهه ۶۰ تا ۷۰، ۱۰ سال فاصله است، ملاک تفاوت نسلی، در نگرش این دو گروه سنی به جهان پیرامون است. تنها مساله‌ای که همچنان مهم است این است که جوانان را برگردانیم به شرایطی که از سر گذرانیم. حتی والدین می‌خواهند که فرزندانشان حرف‌شنو باشند و به راهی که آنها انتخاب می‌کنند، بروند، اما واقعیت چیز دیگری است و باید به این تفاوت‌ها جدی نگاه کنیم تا به شناخت لازم برسیم که این نسل به چه فکر می‌کند و برای آن چیزی که برایش اهمیت دارد، چه راه حلی را برمی‌گزیند. حتی انتخاب‌هایی که برخی جوانان برای دست پیدا کردن به خواسته‌هایشان دارند، ممکن است راه‌های نادرستی هم نباشد که متأسفانه نمود آن هم در جامعه کم نیست. بنابراین باید به جای اینکه نگران فاصله‌ها باشیم، به حرف‌های جوانان این نسل گوش بسپاریم و به طور دقیق نسبت به آرزوها و خواسته‌هایشان شناخت پیدا کنیم. این بهترین راهی است که می‌شود دنبال کرد.

تفاوت دهه شصتی‌ها با دهه هفتادی‌ها

دهه شصتی‌ها متأثر از عواملی هستند که شاهد بودند، اما دهه هفتادی‌ها هنوز اطلاع از بسیاری از مسائل ندارند و بسیاری از معیارها و ارزش‌ها برایشان کم‌رنگ شده است. دهه شصتی‌ها ناخواسته در یک جنگ شرکت کردند و به تبع آن از محرومیت‌های اقتصادی، کمبود اقلام مربوط به زندگی روزمره، کم‌تنوعی در خوراک و پوشاک برخوردار بودند که حتی ادبیات، اجتماع، اقتصاد و سیاست تحت تأثیر آن بوده است، اما دهه هفتادی‌ها از انواع مشکلات فاصله داشتند. رفاه اجتماعی، تنوع در خوراک و پوشاک، شنیدن دیدگاه‌های مختلف، حضور در گروه‌های همسالان، دسترسی به منابع اطلاعاتی که در حوزه‌های رسمی نیست و گردش سریع اطلاعات سبب شده تا جوانان این نسل با شبکه‌های اجتماعی و کسب اطلاعات از جاهایی که بدون نظارت خانواده‌هاست، در حوزه انتخاب روش‌های زندگی و واکنش به مسائل پیرامون متفاوت عمل کنند. برخی دهه هفتادی‌ها به نصیحت‌های بزرگسالان گوش نمی‌دهند و به نوعی حرف‌شنوی ندارند و اگر والدین و بزرگسالان حرف جدی برای مطرح کردن نداشته باشند، فاصله سنی دستاویز و جایگاه محکمی نیست که بخواهیم جوانان را وادار کنیم که به نصیحت‌ها گوش بدهند. متأسفانه در نسل جدید نهادهای رسمی در توانمند کردن این گروه‌های سنی بسیار کم کاری کردند و شکاف عمیقی بین دهه ۶۰ و ۷۰ افتاده است، اما در دهه شصتی‌ها، عمل کردن به نصیحت‌ها به دلیل محدود بودن نهادهای اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری پررنگ‌تر است.

افزایش طلاق توافقی در دهه هفتادی‌ها

در دهه هفتادی‌ها طلاق توافقی بیشتر دیده می‌شود که برای این رنج سنی جای تعجب دارد. واقعیت این است که به مقدار زیاد مسئولیت‌پذیری در این گروه سنی کم شده است. گرچه من اشکال عدم مسئولیت‌پذیری را از جانب جوانان نمی‌بینم، بلکه ایراد از آموزه‌های ما در نهاد رسمی و خانواده هاست و متأسفانه باعث شده تا برخی زوج‌های دهه هفتادی با اولین تنش و اختلاف نظر کوچک، هر دو راه طلاق را انتخاب کنند. در صورتی که اختلاف سلیقه در همه خانواده‌ها وجود دارد و اجتناب‌ناپذیر است و نسل‌های قبلی صبر بیشتری را به خرج می‌دادند و زن و شوهرها هم‌زمان به طلاق توافقی نمی‌رسیدند، اما این نسل به

دلیل دیدگاه خاصشان لزومی نمی بینند که وقت و عمر خود را معطل حل برخی مسائل کنند و در نتیجه زوج ها خیلی زود در طلاق با هم به توافق می‌رسند. ما متاسفانه شناخت نسبت به علل طلاق توافقی نداریم و باید بررسی کنیم که چطور همزمان زوج‌های دهه هفتادی با هم به یک نقطه مشترک می‌رسند. چرا سر ادامه و ساختن و بهنیه کردن شرایط زندگی به توافق نمی‌رسند؟ این معضل آسیب‌شناسی و شناخت جدی می‌خواهد و باید دید نقطه انتخاب مشترک بر چه چیزی دلالت دارد. حتی پایه های انتخاب همسر در این نسل هم بسیار قابل بررسی است.

نگرش متفاوت دهه شصتی‌ها و دهه هفتادی‌ها

بسیاری از جوامع بشری تجربه های مشابه به نسل جدید را داشته اند که یا همزمان با ما بوده یا از سر گذرانده اند و ما باید با استفاده از این تجربه ها دنبال واقعیت باشیم. عبور دادن واقعیت ها از فیلتر غیرواقعی در نهایت زیان بارتر است چون از یک مساله نادرست تاثیر گرفته و مداخله معکوس داشته ایم. نباید تمام خطاها را از جانب این نسل بدانیم. باید ببینیم آموزه‌های ما چقدر با واقعیت های پیرامونی همخوانی دارد و چقدر به تعارض منتهی می شود. حتی باید بررسی شود به عنوان بزرگسال، نهاد خانواده و مسئولان چگونه با جوانان رفتار کردیم و چقدر به فهم آنها از زندگی نزدیک شدیم. عوامل انسانی پیچیدگی هایی دارد که مستلزم نگاه واقعی است و گرنه با محکوم کردن نسل جدید به جایی نخواهیم رسید. حتی دهه هفتادی‌ها هم به کلی نسبت به انتخاب و واکنش های دهه شصتی‌ها متحیر و متعجبند و می گویند ما نمی توانیم آنها را بشناسیم و تحمل کنیم. این تفاوت نسلی زنگی است که به صدا می آید. این همه نوسان و تفاوت از کجا ناشی می‌شود؟ آیا ما سیاست های درستی را انتخاب کردیم؟ آیا ما برنامه ریزی کردیم که تعارض ها را کم کنیم؟ تمام جوامع جهان سوم، در حال توسعه و پیشرفته بدون شک برای این گروه سنی تدابیری اندیشیده اند چون این گروه سنی نیازمند توجه ویژه برای عبور از این مرحله سنی هستند. باید ببینیم چه قدر دست جوانان دهه هفتادی را گرفته ایم و از مرحله بلوغ روانی، جنسی و اجتماعی به سمت سلامت در انتخاب رد کردیم. عبور از این مرحله بسیار مربوط به سیاست های آموزشی کلان و توانمندی خانواده هاست و اینکه چقدر والدین با دوران بلوغ آشنایی دارند و چگونه پاسخ می دهند. اگر در جایگاهی باشیم که فقط با تاسف به تفاوت نسل‌ها بنگریم، به همینجا می‌رسیم و راه به جایی نمی‌بریم.

* پژوهشگر مسائل اجتماعی